برنامه سمت خدا

موضوع برنامه: هنر خوب زیستن (اهمیت دوست)

كارشناس: حجت الاسلام والمسلمين لقمانی

تاريخ پخش: 15-09-96

بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

امین و امن و مؤمن آنقدر دنیا خطابت کرد \*\*\* خدا طاقت نیاورد و سرانجام انتخابت کرد

برای هر سری از روشنایت سایه‌بان می‌خواست \*\*\* که شب را پیش پایت سر برید و آفتابت کرد

خدا از چشم زخم مردمان ترسید پس یک شب \*\*\* تو را آسمان‌ها برد و مثل ماه قابت کرد

تو را از آسمان بارید مثل عشق بر دنیا \*\*\* زمین را تشنه دید و در دل هر قطره آبت کرد

دوای درد دین و درد دنیا، درد بی دردی \*\*\* حضورت دردهای مرگ را حتی طبابت کرد

تو را از دورها هم می‌شود آموخت ای خورشید \*\*\* زمین گیرانه حتی با تو احساس قرابت کرد

که از این فاصله این سال‌های دوری نوری \*\*\* همیشه پرتوی مهرت به شب‌هامان اصابت کرد

هنوز از قله‌های مأذنه نور تو می‌روید \*\*\* فقط باید دعا خواند و یقین در استجابت کرد

شریعتی: سلام می‌کنم به همه‌ی بیننده‌ها و شنونده‌های نازنین‌مان، عید میلاد با سعادت نبی مکرم اسلام، پیامبر رحمت و مهربانی، حضرت محمد مصطفی و میلاد با سعادت امام صادق(ع) را به همه شما تبریک و شادباش می‌گویم. به سمت خدای امروز خیلی خوش آمدید. حاج آقای لقمانی سلام علیکم و رحمة الله. خیلی خوش آمدید.

حاج آقای لقمانی: بسم الله الرحمن الرحیم. بنده هم خدمت شما و همه بینندگان عزیز عرض سلام دارم و خدمت همه تبریک می‌گویم. امیدوارم از امروز خبرهای شاد پایدار و شادمان ماندگار نصیب همه عزیزان شود. انشاءالله شاد شاد باشید.

شریعتی: انشاءالله بهترین‌ها برای همه ما رقم بخورد به برکت نام رحمة للعالمین. امروز برای ما چه به ارمغان آوردید؟

حاج آقای لقمانی:

آنان که به باغ معرفت رو کردند \*\*\* جان را به گلاب عشق خوشبو کردند

در محضر گل چو مشرف گشتند \*\*\* ذکر صلوات هدیه بر او کردند

امروز روزی والا و ویژه در تاریخ بشریت در جهان هستی است. پیامبر اعظم، تمام جهان بخاطر وجود ایشان خلق شده است. روز میلاد رئیس مذهب امام جعفر صادق(ع) هست. چه روزی بهتر از این است؟ معمولاً در تاریخ تولدها و سالروزهایی که به عنوان هدیه دادن می‌روند، افراد یک دسته گلی می‌برند و یک هدیه هم کنارش می‌برند. امروز عزیزان سمت خدا می‌خواهیم طبق طبق گل و سبد سبد نور، یک قافله عشق و کاروان نور به طرف مدینه با دل‌هایمان حرکت کنیم. هرکدام از ما 110 مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد هدیه کنیم به پیشگاه آقا رسول اکرم و فرزندان عزیزشان به ویژه امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا. از همین‌جا به طرف مدینه هدیه کنیم. چرا 110 صلوات؟ بخاطر وجود نازنین امیرالمؤمنین علی(ع).

مصطفی گر گل کند عطرش علی است \*\*\* مصحف احمد به هر سطرش علی است

احمدا ذات تو و حیدر یکی است \*\*\* شهر با دروازه و با در یکی است

تو مدینه علمی و حیدر در است \*\*\* پس کلید دانش تو حیدر است

وقتی همراه با ولایت و نبوت باشیم، همراه با امام جعفر صادق باشیم هیچی کم نداریم. به مناسبت این روز با شکوه با جمله‌ای از پیامبر آغاز کنم. پیامبر فرمود: «اول ما خلق الله نوری» اولین چیزی که خداوند آفرید نور من بود. سرسلسله‌ی انبیاء، بهانه خلقت. بعد فرزند عزیزشان، امام صادق فرمودند: «اول ما خلق الله العقل» یک پیوند عالمانه و حکیمانه به عزیزان جوان و نوجوان هدیه کنیم. معرفت بالا برود. «اول ما خلق الله نوری» اولین چیزی که خدا خلق کرد نور من بود. فرزند عزیزشان امام صادق فرمودند: «اول ما خلق الله العقل». عاقل‌ترین افراد مؤمن ترین افراد هستند. گاهی شیطان انسان را فریب می‌دهد.

من عقل دارم، با عقل خودم انتخاب می‌کنم. گاهی در رفت و آمدها و سخنان گاهی اشتباه می‌کنیم. ببخشید اشتباه کردم! ولی در مسائل مذهبی بخواهد با عقل خودش نمی‌شود. عقل پیامبر درونی است و پیامبر عقل بیرونی است. چون عقل ما همراه با وسوسه و هوس و خطا و اشتباه هست، حتماً باید یک شاقولی باشد. یک خط مستقیم باشد، یک نشانه باشد که خودمان را تطبیق کنیم. وجود نازنین پیامبر و خاندانش که اینها تمام مشعل‌های فروزان و شعله‌های هدایت برای ما هستند، «اول ما خلق الله العقل، اول ما خلق الله نوری» عاقل‌ترین افراد مؤمن ترین آنها هستند. انشاءالله گوارای وجود همه بینندگان و شنوندگان باشد. این روز بسیار خجسته و مبارک است انشاءالله.

شریعتی: هفده ربیع الاول میلاد با سعادت نبی مکرم اسلام(ص) و امام جعفر صادق مبارکتان باشد و گوارای وجود شما باشد. در مورد هنر بهتر زیستن که خیلی مورد استقبال دوستان قرار گرفت در ذیل یک روایت از نبی مکرم اسلام صحبت می‌کردیم. ادامه فرمایشات شما را می‌شنویم.

حاج آقای لقمانی: روایت زیبا، هشت ضلعی از پیامبر را شروع کردیم که پیامبر هشت بار فرمودند: «لا تشغل» اسیر نباش. «لا تشغل بطعامٍ» اسیر غذا و خوراک نباش. «لا تشغل بلباسٍ» اسیر لباس نباش که پایانش پوسیدگی است. خانه که پایانش ویرانی است و مال که پایانش به ارث ماندن است. خودت را هلاک نکن، به اندازه! ثروتمند می‌خواهی باشی اشکال ندارد. ولی هدف و آرمان را فراموش نکن. ببین برای چه می‌خواهی؟ امروز سراغ بحث دوست می‌آییم. بسیار مورد نیاز همه ما هست. قبلاً صحبت بود که از جوانی، دوست یابی شروع می‌شود، ولی با نسل جدیدی که می‌بینیم از چهار سالگی شروع می‌شود. دوست چه ویژگی و چه نقشی در زندگی انسان دارد؟ می‌فرمایند: دوست نیمه دیگر وجود انسان است. ما چطور می‌خواهیم نیمه دیگر را پر کنیم؟ در خانواده‌ که هستیم یک جامعه کوچک هست، بیرون می‌آییم یک خانواده‌ی بزرگ است. گاهی دوست انسان برادر اوست که با انتخاب و اراده خودش می‌تواند انتخاب کند. دوست را می‌فرمایند: مثل معلم خصوصی انسان است. چقدر تأثیرگذار است، یعنی گاهی با تلقین، گاهی با تعلیم، گاهی با تمرین ما را مثل خودش می‌کند. این تأثیرات گاهی انسان را منقلب و زیر و رو می‌کند، واژگون می‌کند. دیگر چه ویژگی دارد؟ می‌فرمایند: دوست بعد از پدر و مادر بیشترین نقش سازنده یا سوزنده را در انسان دارد. ما کسانی را داشتیم تا دختر خانه بودند، پسر خانه بودند، چقدر مؤدب و متین بودند. سر به راه بودند. ولی بعد که دوستانی را پیدا می‌کنند همه چیز را منکر می‌شوند. در مسائل اعتقادی، در مسائل اجتماعی، در مسائل خانوادگی، دوست فوق العاده است. می‌فرمایند: دوست پاسخ به نیازهای وجود انسان می‌دهد. به چه چیزهای انسان پاسخ می‌دهد یا احساس سرافرازی می‌کنیم، افتخار می‌کنیم. دوست فوق العاده است. یا می‌فرمایند: دوست کشف کننده‌ی وجود آدمی است. در زندگی انسان‌های اسوه و الگو که می‌گردیم، جای پای یک دوست والا پیدا می‌کنیم. نفسش خوب بوده، قدم و قلمش خوب بوده است.

دوستی پیدا کردم اینطور به من گفت. بعد دیدم چه دنیای بهتری داشتیم! فقط به خوردن و پوشیدن و گردیدن بسنده نمی‌کنم. نقل می‌کنند میکل آنژ یک سنگ سیاه و سختی را داشت با دوستانش به طرف خانه می‌کشاند. یک دوستی کنارش آمد و گفت: چه کار می‌کنید؟ گفت: یک فرشته‌ای درون این سنگ است من می‌خواهم این را نجات بدهم. مدتی گذشت یک روز آمد به دوستش میکل آنژ سر بزند دید یک سنگی است بسیار زیبا است. صورت یک فرشته است. میکل آنژ پیکر تراش بود. گفت: این چیست؟ گفت: همان سنگ است من کشف‌اش کردم. فرشته درون این سنگ را کشف کردم. گاهی دوست دیو را در درون انسان ایجاد می‌کند و گاهی فرشته. اینقدر دوست در وجود انسان تأثیرگذار است. لذا آموزه‌های دینی تأکید می‌کنند ببینید با چه کسی نشست و برخاست می‌کنید. جمله‌ی طلایی آغاز بحثم سخنی از امام صادق (ع) است. امام باقر(ع) فرمودند: «مَنْ أَصْغَي إِلَي‏ نَاطِقٍ‏ فَقَدْ عَبَدَهُ» (كافي، ج 6، ص 434) کسی که به صحبت یک گوینده‌ای بنشیند و گوش بدهد او را پرستش می‌کنند. اگر از خدا سخن بگوید، خدا را پرستیده است. اگر از شیطان سخن بگوید، شیطان را پرستیده است. گاهی دوست بعضی‌ها شبکه‌های مختلف است. گاهی یک فیلم کوتاه شصت سال انسان را زمین‌گیر می‌کند. فکر و نیت من با این بزرگ می‌شود و پیر می‌شود و می‌میرد. بعضی را می‌شناسم می‌گویند: من هر فیلمی را نمی‌بینم. هر مطلبی را نمی‌خوانم. گاهی احساس می‌کنم یک هجومی علیه دین و پرچمداران دین در جامعه آغاز می‌شود. همه هجوم می‌برند، یک داعش رسانه‌ای در جامعه ایجاد می‌شود از چند ماه قبل، داعش بیرون نتوانست موفق شود الآن می‌خواهد دلها را تسخیر کند. نگاه‌ها را عوض کند. این به این معنا نیست که هرکس لباس دین دارد معصوم است. ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد! ولی کسانی که دقیق هستند، از بالا حوادث را می‌بینند، احساس می‌کنند دستی در کار هست. مردم را نسبت به آموزه‌های دینی حالت گریز ایجاد کنند. کسانی که پاسبان و پاسدار این مسائل هستند یک حالت نفرتی ایجاد کنند. بد بینی! کلیپ‌هایی که ساخته می‌شود گاهی دروغ دروغ است. مواظب باشیم اینها دوست ما نباشند. گاهی یک جمله، گاهی یک فیلم، گاهی یک نگاه انسان را واژگون می‌کند. کسانی را سراغ داریم در مراسم روضه امام حسین نذری می‌دادند، سینه زن بودند، سیاه پوش بودند، سالهاست تاسوعا و عاشورا از پای ماهواره تکان نمی‌خورند. می‌گوید: هیچکس را قبول ندارم. دوست این تأثیر را دارد، چه بخواهیم چه نخواهیم.

لذا دو سه نکته را از پیامبر بگویم. کلام پیامبر، پیامبر کلام‌هاست. پیامبر فرمودند: دین فرد، دین دوست اوست. امروزه عزیزان اگر بخواهند برای خواستگار دخترشان، یا خواهرشان، برای انتخاب دوستی تحقیق کنند لازم نیست سالها طول بکشد. با چند چیز می‌شود شخصیت افراد را شناخت. چه چیزی کنار آینه ماشینش‌ آویزان کرده است. آهنگ موبایلش، تصویری که روی مانیتور موبایل یا کامپیوترش هست، چیست؟ این نشانگر شخصیت آن آدم است. تکیه کلام‌ها، شعرهایی که می‌خواند، نوع پوشش، روانشناسی شخصیت است. یکی از بهترین نمادها دوست انسان است. با چه کسی دوست هستیم؟ پیامبر فرمود: دین فرد دین اوست پس بنگرید با چه کسی دوستی می‌کنید. کسی که شما را به خدا می‌رساند، یا به شیطان! «الْمَرْءُ مَعَ‏ مَنْ أَحَب‏» (کافی/ج2/ص126) مهر و قهرها تأثیر دارد. محبت‌ها تأثیر دارد. ما یک مجموعه روایاتی داریم «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ‏ عَزَّ وَ جَلَّ بِعَبْدٍ خَيْرا» (بحارالانوار/ج64/ص229) فضلای عزیز، روحانیت و طلاب گرامی مخاطب برنامه هستند،«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ‏ عَزَّ وَ جَلَّ بِعَبْدٍ خَيْرا» وقتی خداوند تمام خوبی‌ها را برای یک نفر بخواهد، بنده تمام این روایات را جمع آوری کردم. خدا چه کار می‌کند با کسی که تمام خوبی‌ها را برای یک نفر می‌خواهد؟ جلسه قبل یک مورد را گفتیم. یک کار خیر در دهانش مثل عسل شیرین می‌شود. پیامبر فرمودند: وقتی خداوند تمام خوبی‌ها را برای یک نفر بخواهد، یک دوستی پارسا و پرهیزگار نصیب او می‌کند. «رَزَقَه» رزقش است. منتهی این نیست که بدون دلیل باشد. یک سلسله دلایل ناپیدا دارد. دعای پدر و مادر، الهی خیر ببینی! یک نفر که کنارش قرار می‌گیرد دوستش می‌شود. یک کار خیری کرده است، یک صدقه‌ای داده است. یک انفاقی، یک اکرامی، یک اطعامی کرده است. اینها بدون دلیل نیست. می‌گوید: من اصلاً اهل نماز نبودم. با یک نفر دوست شدیم، گفت: یک دقیقه، این یک دقیقه، ده دقیقه شد. الآن دیگر با مسجد انس دارم. یک سلسله دیدنی‌ها را دیگر نمی‌بینم. یک سری وسایل داخل منزلم را جمع کردم. یک احساس شادابی و نشاط دارم. عشق به سحرخیزی در وجود من ایجاد شده است، صبح تا شب با وضو هستم.

نکته بعد اینکه پیامبر فرمود: بدترین مردم کسانی هستند که از افراد مؤمن و متدین بدشان بیاید. بعضی‌ها تا یک خانم سنگین و باوقار می‌بیند، می‌گوید: بیا! دوباره آمد. تا یک آقا پسر آراسته و مذهبی می‌بیند، تکه می‌اندازد. تا یک روحانی می‌بیند واجب می‌داند تکه بیاندازد. خدا صغیر اصفهانی شاعر ولایی را رحمت کند. یادی از مرحوم حسان کنیم. خدا رحمتشان کند. ایشان فوق العاده بودند. مرحوم صغیر اصفهانی از یکی از علما پرسید: چرا اینطور هستم؟ یک عالم مخصوصاً سید که می‌بینم از این طرف خیابان می‌روم سلام می‌کنم. ایشان نگاهی کرده بودند، گفتند: برو به مادرت دعا کن. ببین چه کار کرده است؟ با بسم الله شیر به تو داده است و در مجلس امام حسین تو را بزرگ کرده است. این به این معنا نیست که هرکس لباس روحانیت به تن داشت علیه السلام است. ولی بین خود و خدا جاذبه‌های قلبی ما چگونه است؟ از چه فیلمی بیشتر خوشمان می‌آید؟ وجودمان را یک بازپروری و بازکاوی کنیم. دوستان را باید گاهی مواقع انسان جا به جا کند. وقتی نزد امام معصوم آمد گفت: من از کجا بدانم شما مرا دوست دارید؟ امام فرمودند: اگر کسانی که با ما رابطه دارند را دوست داری، ما هم شما را دوست داریم. ولی اگر از آنها بدت می‌آید، ما هم شما را دوست نداریم. انسان به خودش مراجعه کند.

نوریان مر نوریان را طالبند \*\*\* ناریان مر ناریان را جاذبند

ذره ذره کاندر این ارض و سماست \*\*\* جنس خود را همچو کاه و کهرباست

بعضی‌ها از کودکی عشق به فضایل دارند. عشق به صفات خوب دارند. به راستگویی، به سحرخیزی، به قرائت قرآن، خدا آقا نجفی قوچانی را رحمت کند. در این دو کتابی که دارند «سیاحت شرق و غرب» یک قطعه‌ای را بیان می‌کند خیلی تأثیرگذار است. می‌گوید: من در عالمی که بودم، حس کردم از دنیا رفتم و در عالم برزخ هستم. یک اتاقی بود، تالاری بود در آن بودم. یک لحظه دیدم یک طبق سیب قرمز درشت گوشه اتاق من ظاهر شد. به فرشته‌ای که همراهم بود گفتم: این سیب چیست؟ گفت: جناب آقا نجفی، دوستی که برای سابق بود. فلانی! بله، یادم آمد. آمد از قبرستان رد شود دید یک قبری بکر و تازه است. گفت: چه کسی از دنیا رفته است؟ گفتند: آقانجفی، اِ... این دوست سابق ما بود. من بنشینم یک حمد و سوره بخوانم. نشست حمد و سوره خواند. این طبق سیب برای تو در این عالم شد. پیامبر فرمود: دوست توشه‌ی بهشتی است. پیش از خودتان این توشه را بفرستید. ما بعضی از عزیزان جبهه‌ای را داشتیم، فلان استان اشتباهی بردند. بیست روز، سی روز آنجا بوده و به هوش نبوده است. دوستان فکر کردند این شهید شده است. گفتند: هرکدام یک روزه برایش بگیرید. نمازش هم بخوانید، بعد فهمیدند زنده بود. حالا شوخی می‌کنند می‌گویند: حرامت باشد ما این نماز را خواندیم.

در بعضی مساجد برای کسانی که در این مسجد امام یا مأموم بودند، شادی روحشان یک صلوات ختم می‌کنند و همه صلوات می‌فرستند. اینها جای دیگر نیست. اینها در مکتب اهل‌بیت است. به یاد بودنی که پیامبر گاهی برای دوست صمیمی و همسر دلسوز خود، حضرت خدیجه(س) ام المؤمنین گوسفندی را قربانی می‌کرد. گوشت‌هایش را برای دوستان حضرت خدیجه می‌دادند. یا رسول الله! چرا این کار را می‌کنی؟ می‌خواهم نام و یاد حضرت خدیجه زنده بماند. پیامبر فرمودند: دوست واقعی مثل دو دست می‌ماند. عیب‌های همدیگر و تیرگی‌ها را می‌شوید. مثل دو دست صمیمی هستند. خطایی هم که انسان می‌‌کند با ملایمت است. من بعضی از زن و شوهرها را می‌شناسم، دانشجو بودند با هم ازدواج کردند و همینطور هستند. در جمع حرفی نمی‌زند ولی بعد از دو سه روز در جلسه‌ای صمیمی مسائل همدیگر را می‌گویند. یک زندگی خوش و خرم دارند. زن و شوهر گاهی زن و شوهر هستند و گاهی رفیق هستند. گاهی پدر و فرزند رفیق هستند.

حاج آقای انصاریان می‌فرمود: خانواده ای چهار پسر داشت. تمام این پسرها در این خانه خانمشان را آوردند و بعد صاحب خانه شدند. تمام عروس‌ها بدون استثناء با گریه از خانه خارج شدند. معمولاً خانم‌ها زندگی مستقل دوست دارند، ولی گفتند: دوست داریم کنار مادرشوهرمان باشیم. رفیق از مرفق است. آرامش و آسودگی، ملایمت و سهولت، این رفیق این دوست انسان است. «إِنَ‏ اللَّهَ‏ رَفِيقٌ‏ يُحِبُّ الرِّفْقَ» (كافي، ج 2، ص 120) خدا رفیق است و رفق و مدارا را دوست دارد. چیزی که برای رفق و مدارا می‌دهد، سختی و تلخی نمی‌دهد. بعضی مو را از ماست می‌کشند، روایت داریم خداوند هم همانطور با آنها رفتار می‌کند. بعضی راحت و آسوده هستند. حالا این ماشین به ماشین شما زد، قیامت برپا می‌کنیم. گاهی می‌گوییم: نه، قابل ندارد. برو به سلامت! خداوند هم همینطور است. سخت بگیری، سخت می‌گیرد. پیامبر فرمودند: دو دوست مثل دو دسته هستند، تیرگی‌های همدیگر را می‌شویند. پیامبر فرمود: برادر دینی یکی از توشه‌های بهشتی است. پیش از اینکه از دنیا بروی برای خودتان بفرستید تا برای شما بهشت را فراهم کند. طلب رحمت و طلب مغفرت، گاهی بعد از مرگ انسان، قبل از مرگ انسان، دوستی به دوست دیگری گفت: من هروقت وارد مسجد الحرام می‌شوم به شما دعا می‌کنم. اینکه به یاد فلانی یک دقیقه سکوت کنیم به چه دردی می خورد! باید حمد و سوره خوانده شود. طلب مغفرت‌ها، سالگردها، دوستانی هستند به یاد هستند. می‌توانند خیرات و برکات برای انسان فراهم کنند.

یک جمله‌ای از امام صادق (ع) هست، برای دوستی که بیست سال با هم دوست بودند. امام صادق دوستی داشتند بیست سال با هم دوست بودند. یکبار ایشان به غلام یا برده‌اش فحش مادر داد، نعوذ بالله! امام برافروخته شدند. فرمودند: من فکر می‌کردم تو انسان صالحی هستی. والله قسم دوستی‌ام را با تو قطع می‌کنم. در دوستی‌ها مراقب باشیم، چگونه دوستی انتخاب کنیم. در الفاظ و کلمات! گاهی به خاطر رفاقت‌های ناجور حرف زشت زدن عادی می‌شود.    قبحش ریخته می‌شود. یعنی دوستی این مقدار حساسیت دارد؟ بله. وقتی کسی در اینطور موارد حساس باشد، نسبت به ما هم حساس هستند. لذا می‌فرمایند: دوستانی که با تو بخندند، زیاد هستند. ببین چه کسانی با تو گریه می‌کنند. دوستی که با یک هدیه برای خودت تهیه کردی، دیگران او را با یک هدیه بزرگتر می‌برند. کسی که برای تو پشت سر دیگران حرف می‌زند، برای آنها پشت سر تو حرف خواهد زد. حرف زدن‌ها را ببینید، بعضی خیلی حساس هستند. انسان سؤال می‌کند تا بوی غیبت می‌دهد، نه انشاءالله طوری نیست. می‌فهمد می‌خواهد غیبت کند. نمی‌خواهد غیبت کند. برای انسان امنیت خاطر دارد. دوست در زندگی انسان فوق العاده است. «الْمَرْءُ عَلَي‏ دِينِ‏ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ‏» (كافي، ج 2، ص 375) پیامبر فرمود: شخص بنابر دین دوست خلیل می‌گویند، یعنی اینقدر با هم گرم هستند. گاهی هم حمیم می‌گویند، آب جوش! خیلی قاطی هستند.    امام باقر(ع) فرمودند:گاهی دوستی هست به درد نمی‌خورد.

ای بسا ابلیس آدم روی هست \*\*\* پس به هر دستی نباید داد دست

برای هرکسی که ادعای رفاقت کرد، در را باز نکنید. بعضی مثل بچه‌ها زنگ را می‌زنند و فرار می‌کنند. «تا پولداری رفیقتم! نوکر بند جیبتم» گاهی این است. لقمان حکیم به پسرش فرمود: پسرم! نخستین چیزی که بعد از ایمان به خدا باید بجویید، دوستی با وفا و صالح است. بعد از ایمان به خدا، گاهی آدم می‌گوید: رتبه چهارم، پنجم یا ششم است. ولی اینقدر تأثیر دارد. الآن درصد بسیاری که در زندان هستند و خانواده‌هایشان با سختی زندگی می‌کنند. بخاطر رفاقت‌ها ناباب، یک امضاء، یک شراکت،می‌گوید: فکر کردم این خیلی خوب است. جمله دوم لقمان حکیم خیلی زیباست. دوست باوفا و صالح مثل درخت خرماست. 1- اگر از سایه‌اش بخواهی استفاده کنی به تو سایه می‌دهد. زیر سایه‌اش می‌آسایی. بعضی نامحرم هستند. آیت الله حسن زاه آملی فرمودند. یک روز گروهی از خانم‌ها و آقایان با آیت الله حسن زاده آملی دیدار داشتند. ایشان به خانم‌های روی کردند و گفتند: خانم‌ها، با خانم‌های نامحرم رفاقت نداشته باشید. آقایان با آقایان نامحرم دوستی نکنید. همه متعجب شدند که شما برعکس گفتید. فرمود: نه! درست گفتم. شخصی که با خدا انس ندارد نامحرم است. شما را نسبت به گناه جری می‌کند. نسبت به معصیت، سرکشی و عصیان برایت عادی می‌شود. خدا نکند کسی اثیم، استمرار بر گناه داشته باشد. مرتب از صبح تا شب گناه کند، قلبش تیره و تار شود. نسبت به عبادت بی میل می‌شود. نسبت به خانواده بی توجه است، نسبت به بزرگتر بی‌توجه است. نامحرم کسی است که با خدا انس ندارد. بعضی‌ها چقدر محرم هستند. جایی مهمان هستند، می‌گوید: ببخشید. چند دقیقه دیر سفره بیاندازید من یک نمازم را بخوانم. همه یاد می‌گیرند. سنت می‌شود که اگر فلانی را دعوت کردیم سفره را بعد از نماز بیاندازیم. گاهی مواقع دو ویژگی او دارد به من منتقل می‌شود و دو ویژگی من دارم به او منتقل می‌شود. تعامل می‌شود و انسان کامل می‌شود. بعضی عین هم هستند. حرف بوتیک و مد و حراج است از صبح تا شب. یک ذره رشد ندارند. بعضی رفقا بهتر هستند. گاهی مواقع یک همسایه زندگی انسان را متحول می‌کند. بگذارید پسر و دختر شما با بهتر از خودش رفت و آمد کند. تحت تأثیر قرار می‌گیرد. نگاه به زندگی عوض می‌شود. طعم زندگی عوض می‌شود.

یکی از بازیگران به نام ایران گفت: از وقتی به حج رفتم و آمدم دیگر چشم من مکعبی شده است. کعبه را دیدم. همه چیز را با کعبه می‌سنجم. بعضی همه چیز را با چشم و ابرو می‌سنجند. لقمان به پسرش فرمود: با انسان صالح و پارسا دوست باش، اگر بخواهی از سایه‌اش استفاده کنی تو را سایه می‌دهد. آسودگی و امنیت خاطر داری. اگر از هیزمش بخواهی استفاده کنی تو را هیزم می‌دهد. درخت نخل، یعنی گاهی مواقع یک کمکی از آن می‌خواهد. دوست به تو می‌دهد. سوم فرمودند: اگر از میوه‌اش بخواهی بهره ببری، گواراترین میوه را به تو می‌دهد، سالم‌ترین میوه را به تو می‌دهد. خرما! بعضی در مشاوره‌ها مهربان و دلسوز هستند. در رفت و آمدها آدم از آنها چیز یاد می‌گیرد. خیلی فرق می‌کند تا یواش یواش منحرف شود. لقمان فرمود: برای خود هزار دوست بگیر و یک دشمن ایجاد نکن. هزار دوست کم است و یک دشمن زیاد است. گاهی مواقع با یک جمله کار حل می‌شود، اختلاف حل می‌شود. معذرت می‌خواهم، ببخشید! این ویژگی مؤمن است. لذا می‌فرمایند: مؤمن مثل زنبور عسل است. غیر مؤمن مثل مگس است. زنبور عسل را امیرالمؤمنین فرمودند: جای خوب می‌نشیند. خوب می‌خورد، شهد گل می‌خورد. خوب پس می‌دهد، عسل! بعضی‌ها عسلی هستند. خوبی‌ها را می‌بیند. فلانی اینطور است، نه این ویژگی هم دارد. مثل حضرت عیسی، تا همه مذمت می‌کردند ایشان تعریف می‌کرد می‌گفت: ببین این حیوان چه دندان‌های سفیدی دارد. انسان زندگی را عسلی ببیند.

این جمله را تقدیم به زن و شوهرهایی کنم که گاهی دلگیری و درگیری با هم دارند. مقام معظم رهبری یک جمله کلیدی فرمودند. این جمله را اگر گوش بدهیم هشتاد درصد بگومگوها حل می‌شود. فرمودند: نمی‌خواهد همیشه روی عیوب همسرمان تمرکز داشته باشیم. مقداری هم خوبی‌ها و وفاداری‌ها و دلسوزی‌ها را متمرکز شویم. گاهی از پس خودش برنمی‌آید. این حالت را دارد وقتی انسان نکات را دید عوض می‌شود.

شریعتی: یک از مشکلات جامعه امروز ما متأسفانه این است که مثبت نگر نیستیم. همین حال ما را بد می‌کند.

حاج آقای لقمانی: انسان‌های الهی مثل خدا می‌مانند. جمله بسیار زیبایی است. تفاوت ما با خدا آن است که اگر خدا 99 عیب را و ایراد از ما دید، یک خوبی را می‌پذیرد و بدی‌ها را کنار می‌گذارد. ما برعکس هستیم!صد جمله در یک برنامه گفته شده، یک جمله بهتر بود گفته نشود. اگر اینطور گفته می‌شد بهتر بود. بعضی‌ها همان یک عیب را می‌بینند و برجسته می‌کنند.

جمله‌ی خیلی زیبایی هست، دوست گرانبها دوستی است که خوشبختی و شادی انسان را دو برابر می‌کند و تلخی‌ها و بدبختی‌ها را کاهش می‌دهد. دوست برادری است که انسان با اختیار خود انتخاب می‌کند. بعضی دوستی‌هایی دارند که بیشتر از برادر به دردشان می‌خورد و مفید هستند. از کودکی تا پایان عمر با هم هستند. بعضی از دوستان مثل آدامس هستند. آدامس یک شادی کوتاه مدت دارد و بعد کسل کننده می‌شود. بعضی مثل چای کیسه‌ای هستند تا در آب نیاندازی معلوم نمی‌شود چه رنگی دارند. بعضی‌ها رود هستند و بعضی مرداب هستند. گفت: از رود پرسیدم چرا اینقدر صاف و شفاف هستی، گفت: گذشتم. مثل مرداب نبودم که بمانم و  رنگ و بوی من عوض شود. بعضی دوستی‌ها مثل رود صاف و شفاف و زلال است. چون به آسمان نگاه می‌کند و وصل به اقیانوس است. بعضی انسان‌ها وصل به اقیانوس هستند،صاف و الهی و ملکوتی، تا انسان با آنها حرف می‌زند یاد خدا می‌افتند. از گناه متنفر می‌شود و نسبت به خوبی‌ها شیفته می‌شود. انشاءالله!

شریعتی: انشاءالله دوستی‌های ما حول محور پیامبر و اهل‌بیت باشد. انشاءالله دوستی‌های ما پایدار باشد و خوش به حال همه آنهایی که دوستان خوبی را برای خودشان انتخاب کردند و برگزیدند. تبریک ما را به مناسبت عید میلاد نبی مکرم اسلام(ص) و همینطور ولادت با سعادت امام صادق (ع) پذیرا باشید. امروز صفحه 160 قرآن کریم، آیات 74 تا 81 سوره مبارکه اعراف از جزء هشتم قرآن کریم در سمت خدا تلاوت می‌شود. امروز تلاوت آیات قرآن از مشهدالرضا تقدیم شما خواهد شد.

ای سوره اعراف من ای قبله هشتم \*\*\* در ظلمت من پنجره‌ای باز کن از نور

«وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفاءَ مِنْ بَعْدِ عادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِها قُصُوراً وَ تَنْحِتُونَ الْجِبالَ بُيُوتاً فَاذْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ وَ لا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ «74» قالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَ تَعْلَمُونَ أَنَّ صالِحاً مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قالُوا إِنَّا بِما أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ «75» قالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كافِرُونَ «76» فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَ عَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَ قالُوا يا صالِحُ ائْتِنا بِما تَعِدُنا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ «77» فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دارِهِمْ جاثِمِينَ «78» فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَ قالَ يا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسالَةَ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ لكِنْ لا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ «79» وَ لُوطاً إِذْ قالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفاحِشَةَ ما سَبَقَكُمْ بِها مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعالَمِينَ «80» إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّساءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ «81»

ترجمه: و به ياد آوريد هنگامى كه خداوند شما را پس از (هلاكت) قوم عاد، جانشينان (آنان) ساخت و در زمين شما را جايگاه (مناسب) داد. از قسمت‏هاى هموار زمين قصرها مى‏سازيد و كوه‏ها را براى ساختن خانه‏ها مى‏تراشيديد. پس الطاف و نعمت‏هاى خداوند را ياد كنيد و در زمين فساد نكنيد. سران مستكبر قوم صالح، به مستضعفانى كه ايمان آورده بودند، گفتند: آيا علم داريد كه صالح ازطرف پروردگارش فرستاده شده است؟ (مؤمنان در پاسخ به ايجاد شكّ وترديد آنان) گفتند: قطعاً ما به آنچه بر او فرستاده شده است، ايمان داريم. كسانى كه استكبار ورزيدند گفتند: همانا ما به آنچه شما بدان ايمان آورده‏ايد، كافريم. پس (مستكبران) ناقه را پى كرده (و كشتند) و از فرمان پروردگارشان سرپيچى كردند وگفتند: اى صالح! اگر از فرستادگان خدايى، پس عذابى را كه وعده مى‏دهى براى ما بياور. ناگاه زمين‏لرزه شديد آنان را فراگرفت، پس شب را به صبح آوردند، در حالى كه در خانه‏هايشان به رو افتادند (و مردند). پس (صالح) از آنان روى برگرداند و گفت: اى قوم من! همانا پيام پروردگارم را به شما رساندم و براى شما خيرخواهى كردم، ولى شما دلسوزان و خيرخواهان را دوست نداريد. و (به خاطر آور) لوط را (كه براى هدايت مردم فرستاديم) آنگاه كه به قوم خود گفت: آيا آن كار زشت را انجام مى‏دهيد كه هيچ يك از جهانيان در آن بر شما پيشى نگرفته است؟ همانا شما به جاى زنان، براى شهوت سراغ مردان مى‏رويد، بلكه شما قومى اسراف‏كاريد.

شریعتی: انشاءالله ایام بر همه شما مبارک باشد. یک اتفاق خوب در این ایام افتاد. قراری بین ما و بیننده‌های عزیز گذاشتیم، این ایام هفده ربیع را برای بچه‌هایمان شیرین کنیم. یعنی دوستانی که بچه مدرسه‌ای دارند با یک هدیه حتی شده با شیرینی کام بچه‌ها را شیرین کنیم و هفده ربیع را در اذهان ماندگار کنیم. خیلی‌ها استقبال کردند. هنوز هم وقت باقی است و دیر نشده است. هرکسی در هر جایی هست می‌تواند با هدیه دادن به کودکان این ایام را در ذهن آنها ماندگار کند. این هفته از مرحوم سید رضا صدر تجلیل می‌کنیم. اگر نکته‌ای هست از این شخصیت برجسته صاحب کتاب «راه محمد» بفرمایید. برای تهیه این کتاب به 20000303 پیامک بدهید و دوستان من شما را راهنمایی خواهند کرد.

حاج آقای لقمانی: بعضی از خاندان‌ها و فامیل خودشان سند هستند بر راستی و بزرگی و بزرگواری، یکی از آن خاندان‌ها، خاندان صدر هست. اخوی ایشان امام موسی صدر که دست به آسمان بلند کنیم و دعا کنیم خدا ایشان را از این سرنوشت مبهم نجات بدهد و دل ایشان را شاد کند و خبری از ایشان برسد. این خاندان فوق العاده بودند. مام موسی صدر بسیار مفید و مؤثر در این عمر کوتاه بودند. جایی در اروپا ایشان برای خانم‌ها صحبت کردند. جلسه که تمام شد خانمی آمد می‌خواست دست بدهد. ایشان یک گل برداشت به این خانم داد. خانم زیرک بود گفت: دستم نجس است. شما ناپاک می‌شوید؟ فرمود: اینقدر ساحت شما قدسی و والاست که نباید دست هیچکس به حریم شما وارد شود. این خانم متحول شد. یعنی من اینقدر ارزشمند هستم. این جواب حکیمانه را دادند. خدا انشاءالله ایشان را به آغوش خانواده و ملت ایران برگرداند و همه را شاد کند.

شریعتی: دعا بفرمایید و آمین بگوییم.

حاج آقای لقمانی: خدایا به حق محمد و آل محمد در مثل امروز که ظهر میلاد هست دل همه را شاد بگردان. در ظهر ظهور امیر آفرینش حضرت مهدی(ع) ما را در رکاب آن حضرت حاضر بگردان. به حق محمد و آل محمد هر گره و گرفتاری در زندگی هر فردی و خانواده‌ای هست به برکت امروز برطرف بگردان. دل همه را شاد و خرسند و خوشحال بگردان. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

شریعتی: کاروان زائر اولی‌ها که از طرف برنامه سمت خدا و با همت و مشارکت شما و سازمان اوقاف و امورخیریه عازم مشهدالرضا شدند، اوایل این هفته در مشهد بودند. حاج آقای عالی در این سفر همراه ایشان بودند. فردا در برنامه سمت خدا این سخنرانی پخش خواهد شد.

«والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمدٍ و آله الطاهرین»